

از گوشه و کنار

رئیس دبیرخانه مجلس دانش آموزی:
سند مدرسه و سلامت روان
تدوین می‌شود



رئیس دبیرخانه مجلس دانش آموزی از تدوین سند مدرسه و سلامت روان از سوی نمایندگان نهمین دوره مجلس دانش آموزی خبر داد. زهرا پناهی‌روا در دومین جلسه کمیته اصلاح آیین‌نامه داخلی نهمین دوره مجلس دانش آموزی که ۲۱ آذرماه، با حضور هیات رئیسه و روسای کمیسیون‌ها در آژگاه شهید باهنر برگزار شد گفت: شمانمایندگان دانش آموز اکنون بر موضوع مدرسه و سلامت روان دانش آموز تمرکز کردید تا سند آن را تدوین کنید. موضوع سلامت روان در دوره متوسطه اول و دوم بسیار مهم است.

وی ادامه داد: در بحث مشاوره بر این موضوع کار می‌کنند. این فعالیت به لحاظ محتوایی نیز شکل گرفته است. وروده بحث نوشتن سند بسیار مهم است که به کمک هم باید موضوع محتوایی را حل کنیم.

رئیس دبیرخانه مجلس دانش آموزی افزود: سندی که شما تدوین می‌کنید باید عملیاتی شود و در راس کارهای وزارت آموزش و پرورش قرار گیرد، هم‌چنین این سند باید منشاخیر و برکت از این دوره مجلس به صورت کارشناسی شده باشد. پناهی‌روا در ادامه گفت: به زودی دیدگاه شورای عالی آموزش و پرورش را در چارچوب تدوین سند بررسی می‌کنیم. محتوای سند باید به صورت مشترک با آموزش و پرورش و حوزه مشاوره آغاز شود.



مدیرعامل سازمان خدمات اجتماعی:
ساماندهی کارتن خواب‌ها هیچ
ارتباطی به شهرداری ندارد



مدیرعامل سازمان خدمات اجتماعی شهرداری تهران با بیان این که ساماندهی کارتن خواب‌ها به معنای بازگرداندن آنان به آغوش خانواده با سازمان‌های متولی است، تاکید کرد: شهرداری فقط وظیفه دارد زیرساخت‌ها را تامین کند و ساماندهی آنان هیچ ارتباطی به شهرداری تهران ندارد.

نجم‌الدین محمدی افزود: افراد بی‌سرپناه از طریق سامانه ۱۳۷ با اطلاع مردمی یا از طریق گشت، شناسایی و به گرمخانه منتقل می‌شوند. مدیرعامل سازمان خدمات اجتماعی شهرداری تهران بابیان این که چندین ستاد و اداره کل در سال ۸۸ ادغام و به سازمان رفاه تبدیل شدند، گفت: قرار بود این سازمان به صورت پیوسته به افراد خدمات ارائه کند و به ساماندهی آنان بپردازد. این سازمان از سه معاونت خدمات حمایتی و اجتماعی، توانمندسازی و کارآفرینی و رفاه و مشارکت‌ها تشکیل می‌شود. براساس قانون وظایف شهرداری مشخص است. ساماندهی ناهنجاری‌های سطح شهر یکی از وظایف شهرداری‌ها است و دادن فضا و زیرساخت‌های لازم متناسب با سرانه آسیب‌های شهر وظیفه دیگر شهرداری است.

محمدی با بیان این که در گذشته در تهران ساخت و سازهای زیادی شده اما به بحث اعتیاد و کارتن‌خوابی به‌طور جدی پرداخته نشده است تا زیرساخت‌های لازم ایجاد شوند، تصریح کرد: ما در برنامه سوم توسعه شهری تلاش کرده‌ایم زیرساخت‌های لازم در شهرداری ایجاد شود تا در اختیار سازمان‌های ذیربط قرار گیرد. قرار نیست شهرداری متولی ساماندهی شود اما فراهم‌سازی زیرساخت‌ها وظیفه شهرداری است.

وی ادامه داد: در بحث کارتن خواب‌ها و افراد بی‌سرپناه ما وظیفه داریم در سطح شهر حضور داشته باشیم و با وسایل نقلیه مناسب این افراد را به فضاهای مناسب منتقل کنیم. این افراد به خصوص در فصل سرما در معرض آسیب قرار دارند و ما وظیفه داریم آنان را به منطقه‌ای امن برسانیم.

ترک تحصیل، برخلاف
آن چه ابتدا به نظر می‌رسد،
تنها به دلیل ضعف تحصیلی
دانش آموزان نیست
بلکه بیشتر از مشکلات
اجتماعی و تحصیلی در
مدارس ناشی می‌شود و
بنابر این باعث تحمیل
هزینه بیشتری به نظام
آموزش و پرورش می‌شود

برای پسران باعث می‌شود سال‌هایی که یک نوجوان نیاز دارد به دور از دغدغه‌های اقتصادی به دنبال حل بحران نوجوانی و هویت‌یابی باشد، درگیر بحران‌ها و فشارهای اقتصادی شود. این امر هم به کاهش سلامت روان فرد و هم نرخ کلی سواد جامعه می‌انجامد. نرخ سواد جامعه به شکل مستقیم با میزان رفاه و پیشرفته بودن یک جامعه در ارتباط است.

دکتر علی‌نقی اقدسی، استاد جامعه‌شناسی در این زمینه معتقد است: باز ماندن از تحصیل زودهنگام دانش‌آموزان دختر می‌تواند آثار و تبعات منفی در بعد فردی و اجتماعی داشته باشد. با توجه به اکثریت جمعیت دختران دانش‌آموز از مجموع دانش‌آموزان کشور، بررسی ترک تحصیل زودهنگام آن‌ها، با در نظر گرفتن سرمایه‌گذاری‌های دولت و خانواده‌ها در این زمینه، لازم و ضروری است. هر قدر دختران بتوانند سال‌های بیشتری در نظام آموزشی حضور داشته باشند، به همان نسبت در رویارویی با مشکلات زندگی در بزرگسالی آماده‌تر می‌شوند، هم‌چنین استفاده بهینه دختران از فرصت‌های آموزشی می‌تواند در افزایش تولید و درآمد ملی آثار مثبت به دنبال داشته باشد. البته عوامل بازدارنده ترک تحصیل دختران را باید در عوامل فرهنگی و سپس عوامل اقتصادی و در نهایت در عوامل جست‌وجو کرد و از طریق آن عوامل بازدارنده را کاهش داد و عوامل تسهیل‌کننده را تقویت کرد.

به گفته این محقق، در زمینه دستیابی برابر به فرصت‌های آموزشی بین دختران و پسران تفاوت وجود دارد و این تفاوت با محرومیت بیشتر دختران در مقایسه با پسران است. عوامل برون مدرسه‌ای (عوامل فرهنگی و اقتصادی) به میزان بیشتری باعث محرومیت دختران از آموزش در دوره عمومی می‌شود.

در ترک تحصیل دختران عواملی چون: اصرار خانواده به ازدواج زودرس، نبود دبیرستان در محل زندگی، تعصبات خانوادگی و محلی، فقر اقتصادی بی‌سوادی خانواده‌ها و زیاد بودن تعداد افراد خانواده را هم باید در نظر گرفت.

اما آن چه بیشتر اهمیت دارد رویکرد مسئولان در این زمینه است که گویی تضاد عقیده و باور چندانی با خانواده‌های کم‌وبی‌سواد و پر تعدادی که مانع از تحصیل دختران خود می‌شوند، ندارند و همین مورد است که پیش از هر عامل دیگر باید مورد توجه قرار بگیرد. رویکرد جامعه و مسئولان آن در انتخاب شرایط زندگی مردم تاثیر مستقیم دارد و نمی‌توان این دو طیف را در سیاست‌گذاری‌های آموزشی و اجتماعی، از هم جداد نظر گرفت.

عمده دانش‌آموزان دختر و خانواده‌های آن‌ها و سیستم آموزش و پرورش است و به یک مشکل روانی-اجتماعی تبدیل شده است. ترک تحصیل، برخلاف آن چه ابتدا به نظر می‌رسد، تنها به دلیل ضعف تحصیلی دانش‌آموزان نیست بلکه بیشتر از مشکلات اجتماعی و تحصیلی در مدارس ناشی می‌شود. بنابر این باعث تحمیل هزینه بیشتری به نظام آموزش و پرورش می‌شود و اولین عاملی که تاثیر بازدارنده و مخربی بر کارایی، تحرک، روح و جسم دانش‌آموزان دارد عدم اطلاع خانواده‌ها از نیازهای آنان و رشد سریع جامعه به سوی مدرنیته شدن است.

مادران کم‌سواد در اهند!

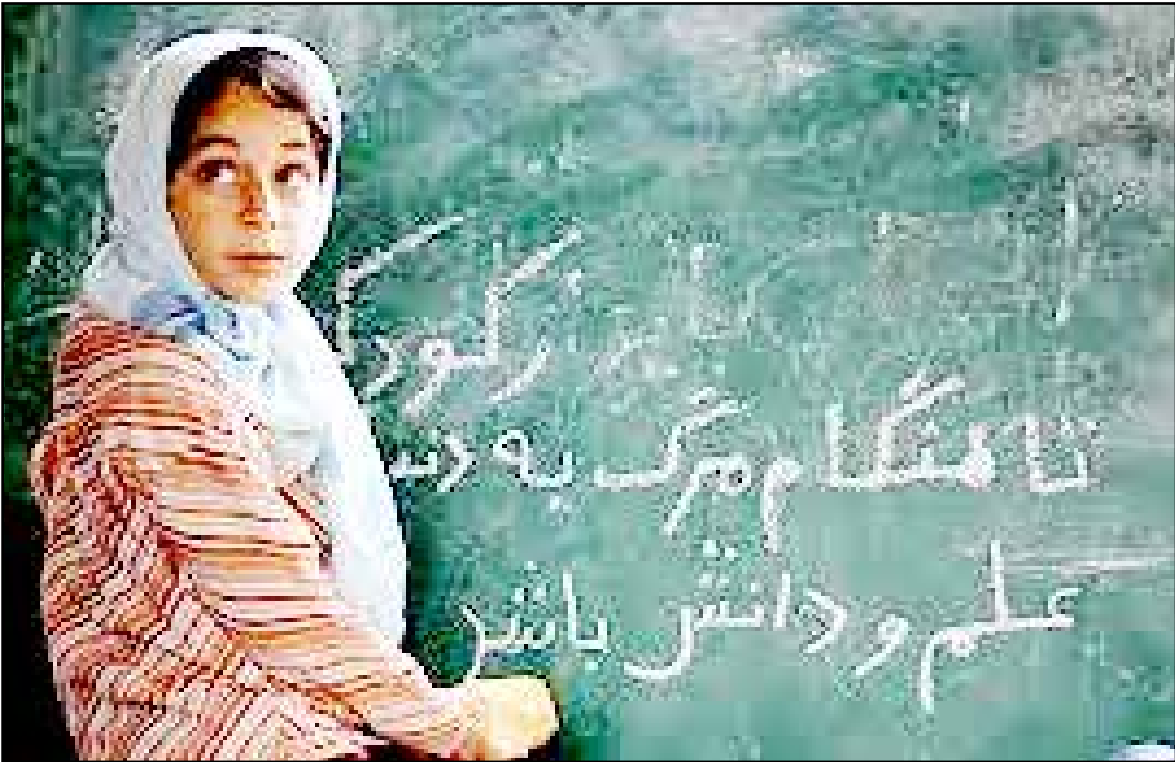
این روزها، به‌ویژه در جوامع شهرستانی و روستایی، بسیاری از والدین تحصیل‌کودک را تحمیل هزینه‌های اقتصادی به خانواده و تبدیل‌وی به یک اضافه‌بار می‌دانند. به این ترتیب، در مورد پسران، کار کردن ارزش بیشتری از تحصیل دارد و در مورد دختران، حذف آنان از خانواده با اتکا به ازدواج، بهترین و مناسب‌ترین گزینه است. پس یکی از علت‌های مهم ترک تحصیل برای دختران ازدواج زودهنگام است. بسیاری از خانواده‌ها، ازدواج کردن را سرنوشت قطعی یک دختر می‌دانند که هر چه زودتر اتفاق بیافتد، بهتر است.

اما مشکل اساسی جامعه ما، چه در میان مسئولان و چه در میان احاد مردم، این است که به یک مسئله مهم و اساسی در جهان امروز توجه نمی‌کنند و آن «سواد در همه زمینه» هاست. در جهانی که ناتوانی در استفاده از کامپیوتر را بی‌سواد می‌دانند، جهانی که ناتوانی در تعاملات عاطفی و نیز ناتوانی در استفاده از انواع رسانه را بی‌سواد می‌داند، با ترک تحصیل دختران، و کم و حتی بی‌سواد ماندن آنان، قرار است چگونه نسلی به جامعه فردای ایران تحویل داده شود؟

ترک تحصیل زودهنگام برای دخترانی که ازدواج می‌کنند، باعث می‌شود نسلی از مادران جوان پرورش پیدا کنند که به‌جای تحصیل و پرورش مهارت‌های فردی و شخصی خود مجبور به پذیرفتن مسئولیت ازدواج و بچه‌داری شده‌اند. چنین مسئله‌ای منجر به کاهش سلامت روان آن‌ها می‌شود. از طرف دیگر هر چه نرخ سواد زنان یک جامعه بالاتر باشد، آن جامعه رفاه بیشتری دارد و سلامت جسمانی و روانی کودکانش بالاتر خواهد بود.

زود زودهنگام به بازار کار به‌ویژه

مدیرکل امور زنان آموزش و پرورش گفته است: ۱۹ درصد دختران ایرانی از سال دوم متوسطه ترک تحصیل می‌کنند. فرحناز مینایی‌پور می‌گوید پوشش تحصیلی دختران در دوره «متوسطه دوم»، ۸۱ درصد است و ۱۹ درصد آنان از این دوره به بعد، مدرسه را کنار می‌گذارند. خانم مدیرکل این میزان بازماندگی از تحصیل را یک زنگ خطر می‌داند؛ ترک تحصیل دختران در این مقطع نشان از فقر اقتصادی و فرهنگی، جلوگیری پدر و مادرها و ازدواج زودرس آنان دارد.



هر قدر دختران بتوانند
سال‌های بیشتری در نظام
آموزشی حضور داشته
باشند، به همان نسبت
در رویارویی با مشکلات
زندگی در بزرگسالی
آماده‌تر می‌شوند، هم‌چنین
استفاده بهینه دختران
از فرصت‌های آموزشی
می‌تواند در افزایش تولید
و درآمد ملی آثار مثبت به
دنبال داشته باشد

سن خروج از مدرسه در سطح جهانی ۱۸ سال است. یعنی آموزش و پرورش هر کشوری موظف است تمامی کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال را تحت پوشش خود قرار دهد. هرگاه به علتی کودک یا نوجوانی قبل از این سن از مدرسه بیرون بیاید، شامل تعریف ترک تحصیل می‌شود. در قانون ایران تا دوره متوسطه دوم تحصیل اجباری است، ولی از سال دوم چنین اجباری در قانون مادیده نمی‌شود، بنابر این بیشترین میزان ترک تحصیل در همین سن اتفاق می‌افتد.

ترک تحصیل یکی از مشکلات

اول‌شان را دارند یا متار که کرده‌اند و بچه‌هایی زیر دست و بال‌شان هست یا همسرشان فوت کرده است. پس این‌طور نیست که دختران ۱۵ ساله ما با ازدواج، آن عروس‌های خوشبختی شوند که این همه درباره‌شان در مجلس و با لایحه و بی‌لایحه، سر و صداهای انداخته‌ایم.

ترک تحصیل یعنی چه؟!

طبق برنامه پنج ساله تا سال ۱۳۹۳ این‌طور بود که باید بی‌سواد در گروه سنی زیر ۵۰ سال در مناطق مختلف کشور ریشه کن شود، اما ماجراها و افت و خیزهای اقتصادی و اجتماعی به سمت و سویی رفته است که هر سال شاهد افزایش شمار زیاد کودکانی هستیم که از تحصیل باز می‌مانند. جدیدترین یافته‌های پژوهشی از وضعیت دانش‌آموزان در مدارس، نشان می‌دهد سالانه ۲۵ درصد دانش‌آموزان یعنی یک چهارم آن‌ها ترک تحصیل می‌کنند.

منظور از ترک تحصیل هم برای روشن‌تر شدن مطلب یعنی دانش‌آموزانی که زودتر از موعد مقرر و به‌عبارتی قبل از پایان یک دوره، مدرسه را ترک می‌کنند. ترک تحصیل معمولاً منجر به افزایش کم‌سوادی و بی‌سوادی در جامعه می‌شود.

می‌گردند، مشکلی ندارید؟ یعنی اصلاً این بانو فرق دوستی و ازدواج را یا متوجه نیستند یا خود را به آن راه می‌زنند. ازدواج، در اغلب جوامع، چه سنتی و چه مدرن، معمولاً یک قرار داد مذهبی-اجتماعی است برای تشکیل یک خانواده با کارکردهای ویژه‌اش؛ که هم شامل مقاطع مختلف، زن و مردش، ادعای حرکت به سوی مدرنیته را دارند؛ از سرتاپای لباس پوشیدن و خورد و خوراک‌شان را که نگاه کنید، این حس به شما دست می‌دهد که این آدم‌ها با چه شتاب باور نکردنی در حال پوست‌اندازی‌اند و می‌خواهند خود را، فکر و بسر و شکل‌شان، رابه حد و معیارهای جهان توسعه‌یافته برسانند. اما...

اما... و پس از هر امایی افسوس و حسرتی ناگوار کمین کرده است؛ داستانی که هنوز به آغازش نرسیده‌ایم این است که ما هم‌چنان در برزخ سنت و مدرنیته گیر افتاده‌ایم. البته بهتر آن است که بگوییم در گیرهای مختلف این برزخ، به دام افتاده‌ایم و گاهی راه بازگشتن و پیش رفتن نداریم.

گفتم که قرار است داستان ما با یک خبر تلخ و ناگوار شروع شود:

«مدیرکل امور زنان آموزش و پرورش گفته است: ۱۹ درصد دختران ایرانی از سال دوم متوسطه ترک تحصیل می‌کنند. فرحناز مینایی‌پور می‌گوید پوشش تحصیلی دختران در دوره «متوسطه دوم»، ۸۱ درصد است و ۱۹ درصد آنان از این دوره به بعد مدرسه را کنار می‌گذارند. خانم مدیرکل این میزان بازماندگی از تحصیل را یک زنگ خطر می‌داند نشان از فقر اقتصادی و فرهنگی جلوگیری پدر و مادرها و ازدواج زودرس آنان دارد.»

از یک طرف که بحمدلله لایحه جلوگیری از ازدواج کودکان تصویب نشد، یا هنوز بر سر آن مجادلات و مناقشاتی وجود دارد. از آن طرف یکی از نمایندگان خانم مجلس اظهار کرده شمایی که با ازدواج زودرس دختران مخالفید، چرا با دختران ۱۵، ۱۶ ساله‌ای که با پسرها دوست می‌شوند و در خیابان‌ها



آذر فخری، روزنامه‌نگار

داستان امروزمان را با یک خبر نه چندان خوب آغاز می‌کنیم. خبری که نشان از اتفاقی ناخوشایند در جامعه‌ای دارد که در مراحل و مقاطع مختلف، زن و مردش، ادعای حرکت به سوی مدرنیته را دارند؛ از سرتاپای لباس پوشیدن و خورد و خوراک‌شان را که نگاه کنید، این حس به شما دست می‌دهد که این آدم‌ها با چه شتاب باور نکردنی در حال پوست‌اندازی‌اند و می‌خواهند خود را، فکر و بسر و شکل‌شان، رابه حد و معیارهای جهان توسعه‌یافته برسانند. اما... و پس از هر امایی افسوس و حسرتی ناگوار کمین کرده است؛ داستانی که هنوز به آغازش نرسیده‌ایم این است که ما هم‌چنان در برزخ سنت و مدرنیته گیر افتاده‌ایم. البته بهتر آن است که بگوییم در گیرهای مختلف این برزخ، به دام افتاده‌ایم و گاهی راه بازگشتن و پیش رفتن نداریم.

گفتم که قرار است داستان ما با یک خبر تلخ و ناگوار شروع شود:

«مدیرکل امور زنان آموزش و پرورش گفته است: ۱۹ درصد دختران ایرانی از سال دوم متوسطه ترک تحصیل می‌کنند. فرحناز مینایی‌پور می‌گوید پوشش تحصیلی دختران در دوره «متوسطه دوم»، ۸۱ درصد است و ۱۹ درصد آنان از این دوره به بعد مدرسه را کنار می‌گذارند. خانم مدیرکل این میزان بازماندگی از تحصیل را یک زنگ خطر می‌داند نشان از فقر اقتصادی و فرهنگی جلوگیری پدر و مادرها و ازدواج زودرس آنان دارد.»

از یک طرف که بحمدلله لایحه جلوگیری از ازدواج کودکان تصویب نشد، یا هنوز بر سر آن مجادلات و مناقشاتی وجود دارد. از آن طرف یکی از نمایندگان خانم مجلس اظهار کرده شمایی که با ازدواج زودرس دختران مخالفید، چرا با دختران ۱۵، ۱۶ ساله‌ای که با پسرها دوست می‌شوند و در خیابان‌ها

